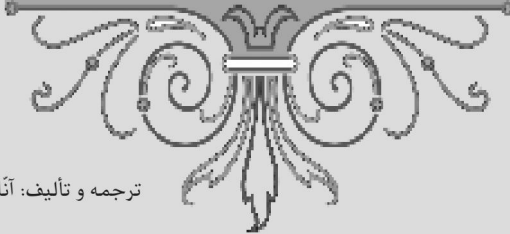


باورهای عامیانه ترکمنان



ترجمه و تألیف: آنادُردی کریمی

بخش اول: کلیات

«باورهای عامیانه مجموعه‌ای از دانستنی‌ها، اعتقادات و رفتارهایی است که در بین توده مردم بدون در نظر گرفتن فایده علمی و منطقی آن، نسل به نسل به صورت تجربه‌های زندگی به ارث رسیده است (رنجبر، ۱۳۸۰: ۱۱۱ به نقل از جمشیدی، ۱۳۹۹: ۲۵۲)

اثرِثم‌ها یا باورهای عامیانه ترکمنان: ابتدا بهتر است که درباره اثرِثم مطالبی را ذکر کنیم. اثرِثم «رسم و سنت به‌جا مانده از قدیم. سستی که به نیت چیزی به جا آوردن» (حمزایف، ۱۹۶۲: ۷۸۶) و «اثرِثم سنت و رسمی است که یک شیئی، یک حرکت و نشانه را به فال نیک گرفته و به خوش‌یُمی تعبیر کنند» (تورکمن دیلی‌نینگ دوشوندیریشلی سۆزلوگی، ج دوم، ۲۰۱۵: ۴۴۲)، افراد از طریق اثرِثم‌ها به موارد خوش‌یُمی معتقد می‌شدند و آرزو می‌کردند که در کارهایشان موفق باشند (رک، اوتدییف، ۲۰۱۰: ۹۰-۸۹). البته باید این نکته را افزود که در همه موارد این اشیاء و نشانه‌ها و... نشانه خوش‌یُمی نیستند، بلکه ممکن است نشانه بدیُمی باشند که در این باره در جای خود توضیحات لازم را خواهیم داد.

به نظر الیاسووا، سخنان متداول روزانه مردم [درباره موضوعاتی] چون سعد و نحس، قسمت، نصیب، اقبال، طالع، رزق و کم رزقی، حلال و حرام، بداقبالی که در میان مردم بطور گسترده رایج بوده است، به اثرِثم‌ها/ باورهای عامیانه تبدیل شده‌اند. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۲۰۵)

اثرِثم‌ها/ باورهای عامیانه، بخشی کهن از ادبیات عامه مردم است و عرف و عاداتی هستند که از گذشته‌های دور به ما رسیده‌اند. اثرِثم‌ها در دوره‌های بسیار دور به وجود آمده‌اند و... ادامه یافته‌اند. این اثرِثم‌ها نخست بر اساس باوری به وجود می‌آیند و به تدریج کامل می‌شوند و مردم طبق باوری که به اثرِثم تبدیل شده، رفتار می‌کنند. (رک، قوچ مشرادوف، ۲۰۱۰: ۵۶) ترکمن‌ها همچون ملل دیگر، اثرِثم‌ها را می‌پذیرند. تأثیر قدرتمند این باورها در آداب و سنن ملی و خط مشی ترکمن‌ها فهمیده می‌شود. (همان).

این نوع باورها، مرتبط به یک دوره معین نیستند و در آن‌ها درباره احساسات انسان سخن به میان می‌آید. و باورهای عامیانه بطور مستقیم... با اعتقادات و آداب و رسوم و وقایع و رویدادهای زندگی و اجتماع مرتبط هستند... (اُتدییف، ۲۰۱۰: ۹۰) و باورها و تعبیری که در دوران‌های مختلف زندگی انسان خلق شده‌اند، بیانگر حقایق و حدسیاتی است که از آزمون روزگار گذشته‌اند. (گلدییف، ۲۰۰۳: ۲۸۳)

البته علاوه بر آنچه که ذکر شد، موضوعات مختلف دیگری نیز در باورهای عامیانه مطرح می‌شود. باورهای عامیانه ترکمن مثل باورهای سایر ایرانیان بسیار گسترده و متنوع است. اگر ادعا کنیم که در بسیاری از صحنه‌های زندگی ترکمنان بویژه در گذشته حضور فعال داشته است، سخنی به گراف و به اغراق نگفته‌ایم. این باورها در زمینه‌های مختلفی چون اعضای بدن، چشم‌زخم و راه‌های مقابله با آن، جانوران، اشیاء، سنگ‌ها، آب، آتش، باد و خاک و زمین، درختان، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، غذا، نان، خواستگاری و مراسم عروسی، تولد نوزاد و حتی قبل از آن، نگهداری از نوزاد و مراقبت از او، چله و چله‌بُری، طبابت عامیانه، خواب و تعبیر آن، عزاداری و تدفین، نوروز و... هستند.

نکته مهمی که باید بر آن تأکید ورزید، این است که این باورها و به زعم عده‌ای خرافه‌ها، چه موافق آن باشیم و چه مخالف آن، میراث گذشتگان ما است. سخن بر سر پذیرفتن و یا نپذیرفتن این باورها نیست. تأکید پژوهشگران بر این نکته مهم است که برای شناخت دقیق و همه جانبه گذشتگان و بالطبع انسان‌های عصر حاضر، آشنایی با این نوع باورها ضروری است و بدون شناخت و تجزیه و تحلیل آن‌ها ارزشیابی ما از گذشتگان دقیق نخواهد بود. برآستی اگر شناخت دقیق و همه‌جانبه از باورهای یک قوم حاصل نشود، قضاوت ما نسبت به آنان و ارزشیابی ما از رفتارها و کردارهای آن قوم درست و منطقی نخواهد بود. می‌دانیم که در ورای هر رفتاری، کنشی و واکنشی، باور و اندیشه‌ای نهفته است. اگر از آن‌ها آگاهی نداشته باشیم و علل بروز آن عملکردها را نشاناسیم، رفتار و کنش آنان برای ما عجیب و حتی مسخره‌آمیز جلوه خواهد کرد.

ویژگی‌های محتوایی باورهای عامیانه

۱- در باورهای عامیانه، رخ‌دادن بعضی از حوادث و اتفاقات و انجام برخی از کارها، درست، خوب، خوش‌یمن و شگون‌دار و... دانسته شده است و یا انجام آن‌ها باعث ثواب و برکت خواهد شد. در مقابل انجام بعضی از کارها و رویداد برخی از حوادث و... بدیمن، بدشگون و باعث ازبین رفتن رزق و روزی و برکت و سبب بدبختی و گناه تلقی شده‌است. بهتر است با معنای دو واژه شگون و یُمن و متضاد آن‌ها آشنا شویم.

شگون: حالتی در چیزی یا رویدادی که موجب اتفاقی خوب می‌شود یا برکت می‌آورد، فال نیک. **شگون‌داشتن:** فرخنده و مبارک‌بودن، خوش‌یمن‌بودن. (انوری، ۱۳۹۰: ۱۴۲۳)

متضاد موارد فوق، بدشگون و شگون‌نداشتن است.

یُمن: ۱. میمنت، شگون، برکت. ۲. (قدیمی) سعادت، خوشبختی. (همان، ۲۶۷۴)

معمولاً به صورت‌های خوش‌یمن و بدیمن در باورها مطرح می‌شود.

میداد

«در باورهای عامه از روی نشانه‌های مختلفی وضعیت آینده امور را پیش‌بینی می‌کنند که بعضی از آن‌ها نشانگر باشگونی و خوش‌یمنی هستند و بعضی دیگر نشانه بدشگونی و بدیمنی. (ذوالفقاری، ۱۳۹۵: ۷۷۴)

الف: چند مورد از باشگونی و خوش‌یمنی را در باورهای ترکمنان ذکر می‌کنیم.

- ترکمن‌ها به واسطه شگون عید قربان، غالباً در این ماه عروسی‌هایشان را برگزار می‌کنند. آنان بر این باورند که اگر ذابح قربانشان حاجی باشد، شگون دارد. ترکمن‌ها اصولاً قربانی کردن را مقدس می‌دانند و معتقدند که با انجام هر قربانی برای هر مناسبتی، پلیدی و بی‌نعمتی از آنان دور خواهد شد و قربانی یمن و برکت دارد. (اشتری، ۱۳۷۴: ۴۱)

- سالخورده‌گان ترکمن ساکن دویدوخ^۱ از بخش راز و جرگلان استان خراسان شمالی، هنگام عروسی فرزندان‌شان با لباس سنتی به استقبال عروس می‌روند، زیرا معتقدند این لباس خوش‌یمن است. (عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۴۱). همچنین اهالی دویدوخ در عروسی، لباس بچه‌گانه به نشانه باروری به عروس هدیه می‌دهند. به‌طور کلی، لباس و زیورآلات در باور اهالی نیروی شفابخشی، خوش‌یمنی، پاکی و قداست است. (همان، ۲۴۱) «قینقچ» یکی از مهم‌ترین سرپوش‌های سنتی است...لبه قینقچ را با ریشه‌هایی سیاه و قرمز به نام «سچگ» ترین می‌کنند تا چهره فرد پوشانده شود...سچگ قینقچ به رنگ سفید برای خوش‌یمنی است. (همان، ۲۱۲، ۲۱۳) قینقچ سفید پیام‌آور خوشی برای زندگی است. (همان، ۲۴۰)

- [ترکمن‌ها] مرغابی را خوش‌یمن می‌دانند و از حیوانات گرگ باشگون است. (بیگللی، ۱۳۶۹: ۵۱۷)

- در باورهای عامیانه ترکمن‌ها بعضی از روزها و یا ماه‌ها، خوش‌یمن و یا بدیمن تلقی می‌شوند. روز چهارشنبه در نزد بسیاری از طوایف ترکمن، روز خوب و خوش‌یمن به حساب می‌آید. عده‌ای از ترکمن‌ها، پسران خود را «روز چهارشنبه ختنه می‌کنند» (کسرانیان، ۱۳۷۰: ۲۴) و یا اگر باران نبارد، مراسم [طلب باران] در چهارشنبه بر پا می‌شود. (رک. همان، ۲۳) ترکمن‌های نُخورلی روز چهارشنبه را برای انجام برخی از کارها مانند برپاکردن دار قالی، خوش‌یمن و مناسب می‌دانند. (نوروزی، ۱۳۹۸)

- همه اینچه‌برونیاها معتقدند که روزهای چهارده، بیست‌وسه، بیست و هفتم هر ماه برای مسافرت و معامله و نوبریدن روزهای خوبی است. (پورکریم، ۱۳۴۵: ۳۴)

ب- همانطور که ذکر شد در باورهای ترکمنان و مردم ایران برخی از امور و حوادث و... بدشگون، بدیمن و یا نحس و مضر می‌باشند. باورهای ترکمنان را در این ارتباط می‌نویسیم:

- فروش شیر و ماست و هر چیز سفید دیگر در شب، ایستادن دم در ورودی و احوالپرسی کردن، جازو کردن در شب، عبور گریه سیاه از مسیر شخص و همچنین گذاشتن جازو به شکلی که دسته‌اش به طرف پایین قرار گرفته باشد، شگون ندارد (رک، حسن‌بیگی، ۱۳۸۴: ۲۹).

- گرفتن ناخن دست و پا در شب، عیادت بیمار پس از شرکت در مراسم عزاء، شگون ندارد. (فجوری، ۱۳۹۹)

- خیلی از خانواده‌های ترکمن محصولات کشاورزی مانند سیر، پیاز، فلفل و... را که تلخ هستند، نمی‌کارند و می‌گویند برای ما شگون ندارد و اگر بکاریم به بلایی دچار می‌شویم. (بدخشان، ۱۳۹۹)
- اگر خروس خانه بی‌موقع آواز سردهد، شگون ندارد. (همان)
- خوابیدن در تاریکی و شب در زیر درخت نحس است. (فجوری، ۱۳۹۹)
- ریختن آب گرم و داغ در هنگام شب و تاریکی، نحس است. (همان)
- ترکمن‌ها خاموش کردن آتش بوسیله آب را خوش‌یمن نمی‌دانند. (گل محمدی، ۱۳۸۵: ۷۵)
- [پوشیدن] لباس تیره برای فرد بدیمن می‌باشد. (عزت‌اللهی‌نژاد، ۱۳۹۹: ۲۴۰)
- [ترکمن‌ها] جغد را بدیمن می‌دانند. (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۵۱۷)
- عده‌ای از ترکمنان طایفه تُخورلی، روز شنبه را برای انجام کارهای مهم خوب نمی‌دانند. آنان هرچند که روز پنجشنبه را روز مناسب و خوش‌یمن برای انجام برخی از کارها مانند برپا کردن دارقالی می‌دانند. اما از انجام کارهایی چون قالی‌بافی در عصر پنجشنبه خودداری می‌کنند و آن را بدشگون می‌دانند.
- پ- در مواردی مشاهده می‌شود که یک عمل و یا رفتار یک حیوان و انسان و... با توجه به نوع عملکرد می‌تواند هم خوش‌یمن باشد و هم بدیمن. ذکر چند مورد برای درک بهتر منظور ما مفید خواهد بود.
- [ترکمن‌ها] معتقدند اگر عنکبوتی از ارتفاع بالا رود بدیمن و چون پایین بیاید خوش‌یمن است. (کبیری، ۱۳۹۳: ۴۵)
- ترکمن‌ها در زمان‌های قدیم، اگر موقع حرکت به سفر و یا رفتن به جای دیگر کسی عطسه می‌کرد، آن سفر را لغو می‌کردند. [اما] هنگام صحبت در باره موضوع خاصی، کسی عطسه می‌کرد، می‌گفتند خیر است صبر آمد. (فجوری، ۱۳۹۹)
- ۲- هشدار و منع و یا «بازداری» (جهانشاهی‌افشار، ۱۳۹۳: ۶۴)، در باورهای عامیانه ترکمنان و مردم ایران بسیار کاربرد دارد. به بیان دیگر یکی از ویژگی‌های برجسته و مهم باورها، «بازداری» آنان است. در باورها به خواننده و یا شنونده هشدار داده می‌شود و بر آن تأکید می‌گردد که نباید برخی از کارها را انجام بدهند. اگر مرتکب چنین کارهایی بشوند مجازات سختی در انتظار آنان خواهد بود. این باورها با ایجاد ترس و وحشت در مخاطب، سعی دارند که آنان را از انجام آن کار بازدارند. این هشدارها در زمینه‌های مختلف صورت می‌گیرد. دامنه این هشدارها بسیار گسترده است. آوردن همه آن موارد در این نوشتار ممکن نیست. به چند مورد از باورهای ترکمنان در این ارتباط اشاره می‌کنیم.
- ترکمن‌ها، افراد را از اشاره کردن با انگشت به سوی قبرستان منع می‌کنند. آنان معتقدند که چنین کاری موجب مرگ آن فرد خواهد شد. (مختومی، ۱۳۹۸)
- شب نباید به سمت رودخانه رفت؛ چون ممکن است صاحب رودخانه آن شخص را دچار بلا کند. (همان)

- به باور ترکمن‌ها، اگر در جایی که به آفتاب نگاه می‌کنیم بنشینیم، گردن درد می‌گیرد. اگر به ماه نگاه کنیم دچار بیماری صرع می‌شویم. [در چنین حالتی] سخته می‌آید و به انسان هجوم می‌آورد. (تاتیلی‌اوغلو، ۲۰۰۰: ۱۵۳)

- اگر کسی در هنگام شب از روی کپه خاکستر عبور کند، جن او را اذیت خواهد کرد. (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۵۱۶)

- اگر جوان مجرد زیاد اهل خواب باشد با دختری که چشمش کج است، ازدواج خواهد کرد. (اُرایف، ۱۹۹۳: ۴۲)

- اگر مار به خانه وارد شود، نباید آن را کشت. اگر بخشی برای تو بدبختی می‌آورد. (همان، ۴۵)
- زدن بر کفل و پیشانی دختران شگون ندارد. او سیاه‌بخت می‌شود. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۳۲)
- نباید، کلوخ، شیشه شکسته و آهن به آب انداخت. آب مژگان تو را می‌شمارد و از عمرت می‌کاهد. (همان، ۱۷۹)

- نباید نان را دور انداخت. نباید از غذا ایراد گرفت و نباید از روی چیزهای مقدس و قابل احترام (نان، سفره، نمک و غذا، جانمازی، بیچه و...) رد شد. اگر این موارد را رعایت نکنی، چشمانت کور می‌شود و رزق و روزی‌ات از دست می‌رود و جنگ و دعوا می‌شود. (غوربانف، ۲۰۱۰: ۱۰۱)
- هم آن‌کس که بابت راست و ریست کردن امر ناحقی رشوه بدهد و هم آن‌که رشوه را بگیرد، دوزخی هستند و هیچ‌وقت سعادت‌مند نمی‌شوند. (همان، ۲۶۵)

همانطور که نوشتیم در واقع این هشدارها و منع‌ها بیشتر جنبه «بازداری» دارد. «در گذشته گاهی اوقات نیاز بود که افراد از انجام اموری که در جامعه ناپسند بود، بازداشته شوند و دلیل عقلانی و چه‌بسا زمینه و بستر عقلی لازم هم برای متقاعد کردن افراد وجود نداشت؛ از این‌رو، وانمود می‌شد که انجام این امور، منافع زندگی و سعادت فرد را به خطر خواهد انداخت یا حتی گاهی اوقات خطر عدم رعایت این امور متوجه زندگی افراد خواهد بود. لذا بعضی از باورها حکم کنترل غیر رسمی افراد را دارند و رعایت آن‌ها، مردم را از ضرر و زیان دور نگه می‌دارد...» (جهانشاهی‌افشار، ۱۳۹۳: ۶۴)

۳- در برخی از باورها، توصیه‌ها و سفارش‌هایی مطرح می‌شود. البته در هشدارها و «بازداری» نیز نوعی توصیه غیر مستقیم به چشم می‌خورد. این توصیه‌ها و سفارش‌ها در زمینه‌ها و موضوعات مختلف صورت می‌گیرد. در این نوع باورها، مردم تشویق می‌شوند تا آن‌ها را انجام دهند و به پاداش متناسب با آن برسند.

- سحرخیز، رزق و سهم خود را موقع تقسیم رزق و روزی می‌گیرد. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۳۴)
- اگر صبح زود بیدار شوی و در را باز بگذاری، رزق و روزی همان‌روز به خانه می‌آید. (همان، ۲۱۸)

- دختری که صبح زود بیدار شود و موهایش را شانه کند، خوشبخت می‌شود. موهای او را فرشتگان شانه خواهند زد. (همان)

از این باورها چنین استنباط می‌شود که رزق و روزی در موقع سحر و یا صبح زود تقسیم

می‌شود. به مخاطب توصیه می‌گردد که اگر دنبال رزق و روزی هستی باید صبح زود بیدار شوی. همچنین از دختران خواسته می‌شود که تنبلی را کنار بگذارند و دست از «خواب نوشین بامداد» بکشند و سحرخیز باشند و موهای خود را شانه بزنند. اگر چنین کند پاداش خوبی دریافت خواهند کرد. فرشتگان موهایشان را شانه خواهند کرد.

- در بسیاری از مناطق [ترکمن‌نشین] عروس برای صرف طعام دعوت می‌شود. او را نباید دست خالی روانه کرد. این کار خوب نیست. برای خوش‌یمنی باید هدیه‌ای به او داد. (همان، ۴۹)

- اگر زن حامله در این دوران، سزیزجات و میوه زیاد بخورد، فرزندش فردی ملایم، زیبا و بسیار با ادب و نجیب خواهد بود. (همان، ۶۷)

در این باور به زن حامله توصیه می‌شود که مواظب سلامتی خودش باشد و با مصرف سزیزجات و میوه زیاد، فرزند خوب و زیبا و نجیب به دنیا بیاورد.

- خداوند اوقاتی را که به عیادت بیمار سپری کنی، جزء عمرت حساب نمی‌کند. (همان، ۸۸)
در این باور به نیکویی کردن و توجه به حال بیمار و دلجویی و روحیه‌دادن به او و در یک کلام عیادت از بیمار توصیه می‌کند. پاداش این کار این است که مورد عنایت خداوند قرار خواهی گرفت و این مدت از عمر تو کم نخواهد شد.

- انسان باید برای همه‌چیز ارزش قائل شود و از آن‌ها حفاظت کند. در چنین صورتی خوشبخت و با اقبال خواهد شد. (همان، ۱۷۷)

- اگر در اطراف خانه، گل بکاری، عمل بسیار پسندیده‌ای است. آدم چشم‌شور به گل‌ها نگاه می‌کند و می‌گوید: «به‌به! خانه این‌ها چقدر زیباست! این گل‌ها را ببین» به باور مردم، زیبایی گل‌ها، مانع چشم‌زخم آن فرد می‌شود. (همان، ۱۸۰)

- سیر کردن و سیراب کردن شخص بسیار گرسنه و تشنه برابر با زیارت خانه خداست. (همان، ۲۱۹)

این توصیه‌ها در برخی موارد می‌تواند جنبه‌های آموزشی و تربیتی هم داشته باشد.
۴- در باورهای عامیانه ترکمنان و برخی از اقوام ایرانی، در اغلب موارد، عمل یا حادثه‌ای که توسط عضوی از اعضای سمت راست بدن صورت بگیرد، مثبت تلقی می‌شود و اگر چنانچه این عمل و یا اتفاق بوسیله عضو چپ بدن انجام شود، منفی به حساب می‌آید. در مجموع عضو راست بر عضو چپ ترجیح داده شده است. عمل انجام گرفته توسط عضو راست بدن، خوش‌یمن و توسط عضو چپ بدن، بدیمن و یا ناروا به حساب آمده است. البته در مواردی عضو چپ بر عضو راست ترجیح داده شده است. این مورد آخر در باورهای ترکمنی کمتر مشاهده می‌شود. مواردی از باورهای ترکمنان را می‌آوریم.

- اگر ابروی راست بخارد، [نشانه این است] که مهمانی در راه است. (فجوری، ۱۳۹۹) یا با دوستت روبرو می‌شوی. (اُزرایف، ۱۹۹۳: ۴۱) و اگر ابروی راستت ببرد، خوشحال خواهی شد. (همان، ۴۱) اگر ابروی چپ بخارد. [نشانه این است] که شخص بدیمنی را ملاقات خواهی کرد. (فجوری، ۱۳۹۹) یا با دشمنت روبرو می‌شوی. (اُزرایف، ۱۹۹۳: ۴۲).

- اگر گوش راست صدا کند، خبر خوشی می‌رسد و اگر گوش چپ صدا کند، خبر ناخوشایند می‌رسد. (همان، ۴۲).
- اگر گوش راست داغ شود، در باره تو سخن حق را می‌گویند و اگر گوش چپ داغ شود، در باره تو به ناحق سخن می‌گویند. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۹)
- اگر کف دست راست بخارد، درآمد کسب می‌شود، ولی اگر کف دست چپ بخارد، [پول] خرج می‌شود. (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۲).
- پرش پلک چشم چپ نشانه خبر ناخوشایند و پرش پلک چشم راست نشانه خبر خوش است. (حفیظ‌الله، ۱۳۹۵: ...)
- به مسجد باید با پای راست وارد و با پای چپ خارج شد. این کار نشانه حرمت و احترام به خداوند تبارک و تعالی است. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۲)
- [بطور کلی] به جاهای مقدس باید با پای راست وارد و با پای چپ خارج شد. (غوربانوف، ۲۰۱۰: ۲۶۵)
- عروس به هنگام ورود به خانه شوهر باید با پای راست وارد شود. اگر با پای چپ وارد شود، پیوسته با پدر و مادر شوهرش رابطه خوب و مناسب نخواهد داشت، در این ارتباط چنین ترس و واهمه‌ای در ذهن مردم هست. اگر چنانچه امور موفقیت‌آمیز نباشد، می‌گویند که عروس با پای راست وارد خانه نشده است و عروس خوش قدم نبوده است. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۵۰)
- در سر سفره باید با دست راست غذا بخوری و [طرف آب را با دست راست بگیری] و از آن آب بنوشی و اگر چنین نکنی باعث ناراحتی و خشم فرشته‌ها خواهی شد. (همان، ۹۰)
- اگر با پای راست از خانه خارج بشوی، کارهایت موفقیت‌آمیز خواهد بود. (همان، ۹۳)
- موقع دادن غذا به کسی، با دست راست باید این کار را بکنی و تحویل گیرنده هم باید با دست راست آن را بگیرد. اساساً تمامی کارهای خوب با دست راست باید انجام شود. (همان، ۹۴)
- اگر موقع برش دادن پارچه پیراهن خسته شدی، اگر تکه‌ای از پارچه باقیمانده را به دست راست ببندی، خستگی‌ات برطرف خواهد شد. (همان، ۱۰۱)
- اگر دو اسب‌سوار ترکمن روبروی هم بیایند، آن‌ها باید از طرف شانه راست با هم روبرو شوند. با این باور که با نیت بد از روبروی تو نیامده‌ام. (همان، ۱۳۶).
- دعای پیش از خواب شب را باید متمایل به شانه راست بخوانی. اگر به پشت بخوابی و بخوانی، به روی شکمت شیطان سوار می‌شود. (همان، ۱۵۴).
- لباس نو را باید از سمت راست بپوشی. اول باید آستین سمت راست را به تن کنی. (مختومی، ۱۳۹۷)
- مو را باید از سمت راست شانه کنی. (همان).
- از نمونه‌های مطرح‌شده، مشخص است که ترکمنان در باورهای خود توجه خاصی به عضو راست بدن دارند و همانطور که ذکرش رفت، راست بر چپ ترجیح داده شده است. در دو مورد زیر ارزش‌گذاری خاصی انجام نشده است:

- باید با دست چپ، اسب را شستشو بدهی و با دست راست، سمت راست اسب را. موقع دست کشیدن بر بدن اسب هم باید به همین طریق اقدام کنی. (رک، الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۳۶)

- اگر خواستی پاهای اسب را بلند کنی، پای سمت چپ را باید با دست چپ و پای سمت راست را باید با دست راست بلند کنی. (همان، ۱۳۶)

در باورهای ترکمنان ورود به خانه با پای چپ منع شده است. چون «ورود به خانه با پای چپ، سبب بدبختی می شود» (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۸). غذا خوردن با دست چپ نیز مورد قبول ترکمنان نیست. چرا که «فقط شیطان با دست چپ غذا می خورد» (مختومی، ۱۳۹۸) البته غسل میت از طرف چپ باید شروع شود. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۱۸۴). در یکی دو مورد از باورهای ترکمنان، نشانه‌هایی از اعضای چپ بدن بر اعضای راست بدن ترجیح داده شده است.

- اگر کسی خال روی ابروی راست داشته باشد، آن شخص مغرور و متکبر است. (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۳) اما اگر بالای ابروی چپ، خال داشته باشد، آن فرد بااستعداد است. (همان).

- اگر بر پلک پایین چشم چپ خال باشد، نشانه خوش شانس بودن است. (همان).

۵- یکی از ویژگی‌های جالب توجه باورهای ترکمنان این است که آنان «برای برخی مشاغل، موکل و پیری باکرامت متصورند و کسی که به آن شغل اشتغال دارد، در انجام بهینه آن کار، از پیر مدد می جوید. به طور مثال شخصی به نام «عاشیق آیدینگ» را موکل موسیقی، «بابادایخان» را موکل کشت و زراعت، «لقمان حکیم» را موکل طبابت می دانند و در همین راستا، نوازندگان محلی در کارهایشان از «عاشیق آیدینگ»، کشاورزان از «بابادایخان» و طبیب‌های محلی از «لقمان حکیم» مدد می جویند. «میرکال» و «بی بی فاطمه» نیز در نزد ترکمن‌ها موکل و پیر تنور هستند و زن‌ها هر بار که مشغول پخت نان هستند، در کنار تنور از آن‌ها مدد می جویند و برای اهل خانه آرزوی سلامتی و بهروزی می کنند» (قوجق، ۱۳۹۶: ۵۶). فرهند و شهروز آق‌آتابای از این افراد با عنوان «اولیاء حافظ و حامی» نام می برند و می نویسند: ترکمن‌ها «زنگی بابا»، «ویس بابا» و «چوپان‌آتا» را به ترتیب اولیای حافظ گله‌های گاو، شتر و گوسفند می دانند. (آق‌آتابای، ۱۳۷۸: ۲۰). همچنین انبیایی همچون «خضر» و «الیاس» را به ترتیب ناجی واماندگان و گمشدگان خشکی و دریاها می پندارند. (همان). البته تعدادها «پیر»ها بیشتر از این موارد است، ما امیدواریم در فرصت مناسب به تفصیل به این مورد بپردازیم.

۶- چه در باورهای عامیانه مردم ایران و چه در باورهای عامیانه ترکمنان، پیشگویی و باقضاوت بر اساس رخ دادن برخی حوادث و رویدادها، با نشانه‌ها و علایم خاص و همچنین وجود برخی از علامت‌ها و نشانه‌ها در بدن و سایر چیزها، انجام می شود. حوزه این پیشگویی‌ها و... بسیار وسیع است. هانزی ماسه در جلد دوم «معتقدات و آداب ایرانی» بعضی از این موارد را آورده است. چند مورد را ذکر می کنیم. پیشگویی مربوط به بدن انسان - حرکات و رفتار، پیشگویی از روی لکه‌های پوست بدن، پیشگویی ناشی از خارش، پیشگویی ناشی از لرزش بدن (اختلاج)، پیشگویی ناشی از بیماری، پیشگویی ناشی از لباس پوشیدن و آرایش، پیشگویی مربوط به خوراک، پیشگویی مربوط به آتش، پیشگویی مربوط به ساختمان، پیشگویی مربوط به اثاثه، اسلحه و ابزار دیگر، پیشگویی در

باره افتادن و شکستن اشیاء و پیشگویی‌های گوناگون. (ماسه، ۱۳۵۷: ۲۲-۵)

در باورهای عامیانه ترکمنان به مواردی از این پیشگویی‌ها و اطلاع‌رسانی بر اساس برخی از نشانه‌ها و علائم برمی‌خوریم. افراد با توجه به رخ‌دادن برخی رویدادها و حوادث و علائم، دیدگاه و نظر خود را نسبت به اشخاص و ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی آنان و همچنین وضعیت هوا، آمدن مهمان و... بیان می‌کنند. پرداختن به همه این موارد در این نوشتار ممکن نیست. بنابراین فکر می‌کنیم که با ذکر چند مورد بتوانیم به بهتر شدن منظورمان کمک کنیم.

الف - بر اساس اعضای بدن انسان:

- چنانچه فاصله بین دندان‌های پیشین کودک بیشتر از معمول باشد، می‌گویند رزق و روزی فراوانی خواهد داشت. (بدخشان، ۱۳۹۹)

- اگر کف دست کسی بخارد، خبر خوشی می‌شنود و خوشحال خواهد شد. (بیگدلی، ۱۳۶۹: ۵۱۶)

- اگر لب بجهد، می‌گویند یکی از اقوامش می‌میرد. (حفیظ‌الله، ۱۳۹۵: ۴۶)

- آن‌که اطراف چشمش خال دارد، آدم خشمگینی است. (اؤرایف، ۱۹۹۳: ۴۳)

ب - نشانه‌های آمدن مهمان:

- اگر عنکبوتی از تار خود آویزان شود، مهمان یا مسافری که چشم به راهش هستند خواهد رسید. (پورکریم، ۱۳۴۵: ۳۴)

- اگر در هنگام خمیر کردن آرد و پختن نان تکه‌ای از خمیر بجهد، مهمان خواهد رسید. (همان، آقارکاکلی، ۱۳۹۹)

- اگر شمه [تقاله] جای روی پیاله بالا بیاید، برای صاحب‌خانه مهمان می‌آید، هرگاه شمه جای بزرگ و طویل باشد، میهمان قذبلند و هرگاه کوتاه و ریزه باشد، میهمان کوتاه‌قد خواهد بود. (راسخ یلدرم، بی‌تا: ۱۴۲)

- اگر کودک سرش را بر روی زمین بگذارد و نشیمنگاهش را رو به بالا بگیرد و یا چارو به دست ادای تمیزکردن خانه را در بیاورد، ترکمن‌ها باور دارند که در این صورت حتماً مهمان به خانه‌شان می‌آید. (بدخشان، ۱۳۹۹)

- اگر یک چشمتم لرزش کند/ بلرزد، می‌گویند مهمان می‌آید. (آقارکاکلی، ۱۳۹۹)

- اگر سگ پشت خود را به طرف خانه کند، مهمان می‌آید. (همان)

پ - پیش‌بینی بر اساس رفتار حیوانات:

- اگر کلاغ قارقار کند، پیشامدی در راه است. (فجوری، ۱۳۹۹) و اگر کلاغ‌ها روی پشت بام جمع شوند و قارقار کنند، عروسی برگزار می‌شود. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۳۹)

- اگر پرستو در سطح پایین پرواز کند، علامت بارندگی است. (اؤرایف، ۱۹۹۳: ۴۵)

- اگر پرند به خانه وارد شود نشانه خوشبختی است. (همان)

- اگر سگ زاری‌کنان عوعو کند، نشانه بدبختی و دچار شدن به عذاب است. (همان، ۴۶)

- اگر یکباره، مار، عقرب و حشرات مختلف [به جایی] هجوم بیاورند، نشانه آمدن زلزله

است. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۴۰)

ت - پیش‌بینی هوا:

- پس از خمیر کردن، اگر دست آغشته به خمیر را در نهر روستا، شست‌وشو دهند، باران خواهد بارید. (مرادی، ۱۳۹۶: ۹۰)
- اگر نسترن کوهی در سحر گلش را باز نکند، آن روز بسیار گرم می‌شود. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۱۱۲)
- اگر مرغ با سر و صدا قُذْقُد کند، هوا گرد و غبار می‌شود. (همان، ۱۱۳)
- اگر پوست پیاز کلفت و چند لایه باشد، زمستان سرد می‌شود و اگر پوست پیاز نازک و کم‌لایه باشد، زمستان ملایم می‌شود. (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۶)
- اگر ابرها بالای کوه مدت زیادی بمانند، فردای آن روز باران می‌بارد. (همان)
- اگر شب روی زمین برفک صبحگاهی بنشیند، روز برف نمی‌بارد. (همان)

ث - موارد مختلف:

- دو نفر سخنی را ندانسته یک‌ه‌و بگویند، [نشانه آن است که] خبر خوشی خواهد آمد. (گلدیلف، ۲۰۰۳: ۲۹۳)
- اگر موقع خروج از خانه، لباس به در گیر کند، [نشانه آن است که] که دوباره به آن خانه برمی‌گردد. (اؤرأیف، ۱۹۹۳: ۴۸)
- اگر بدون هیچ دلیلی، دلت بگیرد، [نشانه آن است که] کسی که دلش می‌خواهد تو را ببیند، تو را یاد می‌کند. (همان، ۵۰)
- اگر دومین موی تاب‌دار بچه در جلوی سرش باشد، از نش (شوهرش) جدا می‌شود و اگر دومین موی تاب‌دارش در پس‌کله او باشد، زوجش می‌میرد. اگر دو موی تاب‌دارش بالای سرش باشد، صاحب دو همسر خواهد شد. (همان، ۵۱)
- اگر موقع سلام‌دادن یا خداحافظی، چهار نفر باهم دستشان به صورت به‌اضافه دراز شود، بزودی عروسی می‌شود. (همان)
- دختری که [موقع دوخت‌ودوز] سوزن به دستش فروکند، [نشانه آن است که] عاشق شده است. (همان)
- اگر روز دوشنبه موقع گرسنگی، عطسه کنی، علامت هدیه گرفتن است. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۹۸)
- اگر روز جمعه عطسه کنی، ملاقات صورت می‌گیرد. (همان)
- اگر روز پنجشنبه عطسه کنی، علامت آن است که مورد تعریف و تمجید قرار می‌گیری. (همان)
- اگر شخصی در خواب گریه کند، خبر خوبی به او خواهد رسید، ولی چنانچه در خواب خندید، روز بد و تلخی خواهد داشت. (بیگدلی، ۱۳۹۶: ۵۱۶)
- ۷- در باورهای عامیانه ترکمنان، برخی از موضوعات، مفاهیم و بن‌مایه‌های متأثر از دین اسلام مشاهده می‌شود. مانند: خدا، بسم‌الله، فرشته، شیطان، گناه، ثواب و... در این‌جا از هر یک چند مورد را می‌نویسیم.

میدان

الف - خداوند:

- اگر به مسجد با پای راست وارد و با پای چپ خارج بشوی، به خداوند تبارک و تعالی احترام گذاشته‌ای. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۲)
- اگر به اطراف خود با کبر و غرور نگاه کنی، [بدین معناست که] خداوند تبارک و تعالی را نمی‌پسندی. (همان)
- نباید در موقع صرف غذا، در باره چیزهای ناپسند و ناخوشایند صحبت کرد. [این موارد] مورد پسند خداوند تبارک و تعالی قرار نمی‌گیرد. (همان، ۸۹)
- برای غذا باید خداوند را ثنا و برای نعمت‌هایش شکر کرد. (همان)
- قبل از آوردن غذا باید کنار سفره رفت و نشست. اگر چنین نکنی، مورد پسند خداوند قرار نمی‌گیری (همان، ۹۰)

ب - بسم‌الله:

- در موقع شروع هر کاری باید بسم‌الله بگویی. اگر نگوئی کارت روبراه نمی‌شود. (اسفندیاری، ۱۳۹۸)
- هنگام شروع غذا باید بسم‌الله بگویی و گرنه شیطان در غذایت شریک می‌شود. او هم در کنار تو از غذای تو می‌خورد و تو متوجه سیر شدنت نمی‌شوی. (همان)
- اگر استخوان دیدی باید بسم‌الله بگویی و آن را دفن کنی. (مختومی، ۱۳۹۷)
- نباید از روی خاکستر گذشت و اگر مجبور شدی باید قبلش بسم‌الله بگویی. (همان)
- موقع گرفتن چاقو از دست کسی باید بسم‌الله بگویی. (امان‌نژاد، ۱۳۹۹)

پ - قرآن:

- ترکمن‌ها همچون سایر مسلمانان به قرآن احترام ویژه‌ای می‌گذارند. از قسم خوردن بی‌مورد به قرآن خودداری می‌کنند.
- بدون وضو نباید به قرآن دست زد و بعد از قرائت قرآن حتماً باید آن را ببندند با این باور که اگر قرآن باز بماند، شیطان آن را خواهد خواند. (بدخشان، ۱۳۹۹)
- یکی از مراسم تولد نوزاد این است که زیر بالش نوزاد قرآن، نان و کارد می‌گذارند. (جرجانی، ۱۳۸۲: ۴۷)
- ترکمنان «قوشه‌تپه» که در شمال شرقی گنبد کاووس و در کنار رود اترک ساکن هستند، میت را «در قبر روی به قبله دراز می‌کنند و در حالیکه سوره «انشراح» یا سوره «اخلاص» را که بر تکه کاغذی نوشته‌اند در برابر چهره مرده به دیوار قبر می‌آویزند؛ به این نیت که وقتی مرده را برای سؤال و جواب بیدار می‌کنند چشمش به آیات مبارکه بیفتد» (پورکریم، ۱۳۴۹: ۴۸)
- تُخورلی‌ها جلوی عروس، قرآن، روغن و گل می‌گذارند. (اسفندیاری، ۱۳۹۸)

ت - فرشته:

- ترکمن‌ها قبل از غروب آفتاب، در و پنجره‌های منازل خود را باز می‌گذارند و اعتقاد دارند که قبل از غروب آفتاب، فرشته‌ها داخل خانه شده و رزق و روزی هر خانواده را تقسیم می‌کنند. (فجوری، ۱۳۹۹)
- اگر در حضور فرد سوم، درگوشی حرف بزنی، فرشته‌ها را می‌ترسانی. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۹۱)

- اگر به سخنان هم صحبت خود گوش نداده و حرف او را قطع کنی، فرشته‌ها را می‌گریزانی. (همان، ۹۲)
- اگر بخاطر اظهار فضل کردن و خودنمایی زیاد صحبت کنی، فرشته‌ها گناه تو را بیشتر خواهند نوشت. (همان)

- نباید از جلوی شخصی که نشسته است، رد شد. فرشته می‌ترسد. (غوریانوف، ۲۰۱۰: ۲۶۲)
ث - شیطان:

- اگر حرف نامربوطی به زبان آوردی، بسم الله بگو و بگو که گوش شیطان کر بماند. اگر چنین نگوئی، شیطان می‌شنود و آمین می‌گوید و [ممکن است] با آمین گفتن شیطان حرف نامربوط تو اجابت شود. اگر کسی هم به تو حرف نامربوطی زد، تو هم بگو گوش شیطان کر بماند و آمین نگو. اگر از روی ناراحتی، یکی را نفرین کردی باز هم باید بگویی گوش شیطان کر. (اسفندیاری، ۱۳۹۸)

- قبل از دعوت نباید سر سفره رفت [اگر چنین شود] شاگرد شیطان خواهی شد. (الیاسووا، ۲۰۰۵: ۹۰)
- اگر به مهمانی رفتی و برای خودت جای بهتری انتخاب کنی و بنشین، شاگرد شیطان خواهی شد. (همان، ۹۱)

- نباید پشت به کسی نشست. [اگر چنین شود] میان شما شیطان وارد می‌شود و [باعث اختلاف بین شما می‌شود]. (همان، ۹۳)

- اگر بعد از شستن، دستت را تکان بدهی، به دست شیطان ادرار می‌کند. (همان، ۹۴)
- خوردن غذا به حالت ایستاده، خوب نیست. شیطان شریک رزق و روزی تو می‌شود. (همان، ۹۵)

ج - گناه:

- [زنان ترکمن] پس از پایان خمیر کردن، دست آغشته به خمیر را با همان آبی که برای خمیر کردن استفاده کرده‌اند، شست و شو داده و آن را در گوشه‌ای که زیر پا لگد نشود می‌ریزند، زیرا لگد شدن آن را که حاوی آرد و نمک است، گناه می‌دانند. (مرادی، ۱۳۹۶: ۹۰)

- اگر شخص دیگری از اهالی خانه، در بیرون از منزل، دست آغشته به خمیر زن طباخ را ببیند، آن زن مرتکب گناه شده است. (همان)

- هر کس با دست و لباس آغشته به خمیر در معرض تابش نور خورشید قرار بگیرد، مرتکب گناه شده است. (همان)

- به زبان آوردن سخنان زشت و ناپسند گناه محسوب می‌شود. همچنین ریختن آب کثیف در راه، ریختن نمک به زمین و لگد کردن آن، آتش زدن مو و رها کردن مو در آب گناه است. (غوریانوف، ۲۰۱۰: ۲۶۲)

- خوردن نان سوخته گناه است. (اؤرایف، ۱۹۹۳: ۴۴)

- اگر از زیر تابوت به این طرف و آن طرف بروی گناه است. (همان، ۴۹)

ح - ثواب:

- خوردن نان گرم در پای تنور دارای ثواب زیادی است. (مرادی، ۱۳۹۶: ۹۱)

میرداد

- اگر از آبی که موقع پختن نان بر آن می‌پاشی، بنوشی، ثواب دارد. آن آب، آبی است که فرشتگان به آن نگاه کرده‌اند. (الیاسوا، ۲۰۰۵: ۳۰)
- پاک کردن ته ظرف بعد از خوردن غذا ثواب است. [این کار به مثابه] پاک کردن بهشت است. (همان، ۳۲)
- شستن موها روز جمعه ثواب دارد. (همان، ۱۷۵)
- ترکمن‌ها اعتقاد دارند هر کس زودتر هلال ماه را [در اول ماه رمضان] ببیند ثواب بیشتری می‌برد و حتی باعث افزایش بینایی می‌شود. (صبری، ۱۳۹۶: ۵۷)
- در باره ویژگی‌های باورهای عامیانه ترکمنان بیش از این می‌توان سخن گفت. ما در اینجا به اختصار به برخی از این موارد پرداختیم.

منابع:

- آق‌آتابای، فرهمند، آق‌آتابای، شهروز (۱۳۷۸). مراسم طلب باران در میان ترکمن‌ها، فصلنامه یاپراق، سال دوم، شماره ۷-۴، صص ۱-۴۰
- اشتری، بهروز (۱۳۷۴). مراسم عید قربان در ترکمن صحرا، میراث فرهنگی، شماره ۱۳، صص ۳۸-۴۱.
- انوری، حسن (۱۳۹۰). فرهنگ فشرده سخن، تهران، سخن، چاپ دوازدهم.
- بیگللی، محمد رضا (۱۳۶۹). ترکمنهای ایران، تهران، پاسارگاد، چاپ اول.
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۵). ترکمنهای ایران (۲)، هنر و مردم، شماره ۵۰، صص ۲۲-۳۴
- پورکریم، هوشنگ (۱۳۴۹). ترکمنان دهکده «قوشه تپه»، هنر و مردم، شماره ۹۱، صص ۳۸-۴۸
- جرجانی، موسی (۱۳۸۲). زن ترکمن، پژوهشی در نقش زنان ترکمن در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه ایل‌نشین، گرگان، مکتومقلی فراغی، چاپ اول.
- جمشیدی، زهرا، آرتا، سید محمد (۱۳۹۹). مناسبات بین اسطوره و باورهای عامه، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۸، شماره ۳۳، صص ۲۴۹-۲۷۲
- جهانشاهی افشار، علی، شمس‌الدینی مطلق، محمد حسن (۱۳۹۳). ریشه‌های خرافات و کارکرد آن‌ها در فرهنگ مردم (مورد مطالعه: باورهای مردم کرمان) دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۲، شماره ۳، صص ۴۹-۷۷
- حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۸۴). نذر و نیاز، زمزمه‌ی عاشقانه‌ی ترکمن‌ها، فصلنامه یاپراق، سال هشتم، شماره ۳۲، صص ۱-۵۲
- حفیظ‌الله (۱۳۹۵). تورکمن‌لرداکی عقیده و اینانچ‌لار، ماهنامه وطنداران، دوره دوم، سال اول، شماره سوم.
- ذوالفقاری، حسن، شیری، علی‌اکبر (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران، تهران، چشمه، چاپ دوم.
- راسخ‌پلدرم، محمد صالح، تاریخ و فرهنگ ترکمنها، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا.
- صبری، مریم (۱۳۹۶). پژوهش مردم‌شناختی، آیین‌ها و سنت‌های فرهنگی ترکمن‌ها در ماه مبارک رمضان، پوشش در آموزش علوم انسانی، سال دوم، شماره ۷، صص ۵۳-۶۵
- عزت‌اللهی‌نژاد، طیبه (۱۳۹۹). خودتزیینی زنان ترکمن، درآمدی بر انسان‌شناسی زیبایی‌شناسی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، چاپ اول.

قوجق، یوسف (۱۳۹۶). نان در تنور ترکمن‌ها، جایگاه تنور و نان و ارتباط آن با ایزد بانوی بزرگ در بین قوم ترکمن، [مجله] اقوام ایرانی، شماره ۲، صص ۵۶ - ۵۸.

کبیری، فرانک، امیرحاجلو، پریسا (۱۳۹۳). بررسی نقش‌مایه‌های جانوری در قالی ترکمن، دو فصلنامه هنرهای کاربردی، شماره ۴، صص ۳۹ - ۵۰.

کسرائیان، نصرالله، عرشی، زیبا (۱۳۷۰). ترکمنهای ایران، تهران، مؤلف.

گل‌محمدی، نظر محمد (۱۳۸۵). باورهای ژرف، باور ملل و اقوام کناره‌های شرقی و بحری خزر، گرگان، مختومقلی فراغی، چاپ اول.

ماسه، هانری (۱۳۵۷). معتقدات و آداب ایرانی، ترجمه: مهدی روشن‌ضمیر، ج دوم، تبریز.

مرادی، منصور (۱۳۹۶). خوراک و باورهای عامیانه و فرهنگی ترکمن‌ها، فصلنامه میرداماد، سال دوم، شماره هفتم، صص ۸۱ - ۹۲.

Geldiyew, gurbandurdy (2003). türkmen halk döredijiligi, aşgabat, türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Goçmyradow, hojamyrat (2010). türkmen halk döredijiligi, , aşgabat, türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Gurbanow, h.d, gurbangulyýewa, a (2010), türkmenistanyň etnologiyasy, aşgabat.

Hamzaýew, m. ýa (1962). Türkmen diliniň sözlügi, aşgabat.

Otdyçew,gaýypberdi, atdayewa, nurgözel (2010), türkmen halk döredijiligi, , aşgabat, türkmen döwlet neşirýat gullugy.

Öräýew, arazbay (1993). Yrymlar, aşgabat, ruh

Tatlıloğlu, durmuş (2000). türkmen "ırımları" (halk inançları), cumhuriyet üniversitesi ilahiyat fakültesi dergisi hakemli dergi iv: sayı, sıvas, 166 - 151

Türkmen diliniň düşündirişli sözlügi (2015). II. tom. Aşgabat, ylym.

Ylýasowa, gurbanjermal (2005). Türkmen halk yrym - ynançlary, aşgabat, miras

اشخاص:

آق‌ارکاکلی، اسماعیل (۱۳۹۹). دیپلم، به نقل از دایمی‌شان. ۶۸ ساله، بی‌سواد. اهل روستای حاجی‌قوشان از توابع گنبد قابوس.

اسفندیاری، اینجی (۱۳۹۸). ۷۴ ساله، بی‌سواد، ساکن بجنورد، از طایفه نُخوری.

امانی‌نژاد، بی‌بی‌سارا (۱۳۹۹). ۶۳ ساله، ششم ابتدایی، ساکن گنبد قابوس.

بدخشان، قربان‌صحت (۱۳۹۹). معلم بازنشسته و پژوهشگر فرهنگ و ادبیات شفاهی ترکمن، ۷۰ ساله، ساکن گنبد قابوس.

فجوری، ستار بردی (۱۳۹۹). فرهنگی و دانشجوی دکتری تاریخ و پژوهشگر تاریخ و فرهنگ ترکمن. ۴۹ ساله، کلاله.

مختومی، عرفان (۱۳۹۷). دانش‌آموز سال یازدهم ریاضی، به نقل از اقوام بزرگسال، ساکن گنبد قابوس.

مختومی، نعمان (۱۳۹۸). دانش‌آموز سال یازدهم ریاضی، به نقل از افراد بزرگسال خانواده، از روستای سارلی مختوم از توابع گنبد قابوس.

نوروزی، محمد (۱۳۹۸). معلم، لیسانس جغرافیا، ساکن بجنورد، طایفه نُخوری، ۵۰ ساله.

میرداد